روایت یک سنت نیکوکاری ۱۸ ساله از یک نمایشگاه نقاشی

رویاهایی که برای کودکان سرطانی معجزه می‌کند

گزارش

سعیده احسانی راد
روزنامه‌نگار

شاگردان تارا بهبهانی- نقاش و مدرس هنر- به رسم ۱۸ سال گذشته دور هم جمع می‌شوند تا آنچه از رویاهایشان در ذهن نقش کرده‌اند، روی کاغذ با نقاشی و در یک نمایشگاه به نفع کودکان سرطانی محک به نمایش گذارند. ۶۹ هنرمند کودک و نوجوان رویاهایشان را برای اعلام مهربانی و همدلی، با دوستان هم‌سن و سال مبتلا به سرطان خود در نمایشگاه «رویا تا حقیقت» به تصویر کشیدند.

تارا بهبهانی مدرس این کودکان هنرمند درباره سابقه این نمایشگاه به «ایران» گفت: «سابقه برگزاری این نمایشگاه‌ها به ۱۸ سال پیش برمی‌گردد. اولین نمایشگاه سال ۸۵ در گالری شیرین با ۱۶ هنرمند برگزار شد و موضوع آن کفش بود. با عواید حاصل از فروش آثار نمایشگاه بیش از هزار جفت کفش خریداری کرده و در نقاط دورافتاده ایران به بشرویه استان خراسان و شهرهای مرزی غربی فرستادیم. او ادامه داد: «زمانی که نمایشگاه اول برگزار شد، ۲۳ سالم بود و به نسبت بالا رفتن سنم تعداد شاگردانم هم بیشتر شد و این تلنگری شد تا در دو دوره بعدی، عواید نمایشگاه را به مؤسسه بهنام دهش‌پور اهدا کنیم. پس از آن جذب مؤسسه محک شدم و با توجه به آشنایی با فعالیت‌های این مجموعه، همه نمایشگاه‌ها را در آن محل برگزار کرده و تمامی فروش آثار را به کودکان سرطانی اهدا کردیم. برگزاری نمایشگاه در این مجموعه باعث می‌شود افرادی که به نمایشگاه آمده یا کودکانی که از طرف مدرسه به دیدن آثار می‌آیند، با درد و رنج بیماران سرطانی و والدین آنها آشنا شوند و به آنها کمک کنند، بنابراین نمایشگاه جنبه اطلاع‌رسانی هم دارد.

نقش کودکان در کارهای انسان‌دوستانه

بهبهانی درباره اینکه چرا کودکان را به این امر انسان‌دوستانه سوق داده، بیان کرد: «بچه‌هایی که در نمایشگاه حضور دارند، در رنج سنی بیماران سرطانی محک هستند، این از چند جهت نکات قابل توجهی داشت؛ اینکه بچه‌ها یاد بگیرند به هم‌سن و سال‌هایشان کمک کنند و اگر الان خودشان در شرایط سلامتی خوبی بوده و از یک رفاه نسبی برخوردار هستند، دقیقاً همزمان دوست هم‌سن‌شان که بیمار است، چه شرایطی را تحمل می‌کند. این نمایشگاه ۱۸ سال است که در آخرین پنجشنبه و جمعه فروردین استمرار پیدا کرده است و تبدیل به یک سنت شده است. تعداد شاگردانم به مرور زمان اضافه شد و تأثیرگذاری داستان‌هایی که از این نمایشگاه بیرون آمد، بازتاب پیدا کرد. شاگردهایی که در این نمایشگاه بودند بسیاری‌شان از ایران رفتند ولی قلب‌شان برای این نمایشگاه می‌تپد. نوشته‌هایی که برای من می‌فرستند، نشان از تأثیرات آن نمایشگاه در طولانی مدت بوده که در سال‌های بعد می‌بینیم .

بهبهانی نکته مهم این نمایشگاه را همدلی و همراهی پدر و مادر و فامیل بچه‌هایی بیان کرد که در این نمایشگاه شرکت داشتند و باعث استمرار آن شدند .

موضوع نمایشگاه

او در پاسخ به این سؤال که آیا برای نمایشگاه‌ها موضوع تعیین می‌کنید، گفت: «بله هر سال در شهریورماه من یک موضوع انتخاب می‌کنم تا تعداد قابل توجهی کار برایش انجام داد. با بچه‌ها صحبت می‌کنم و جنبه‌های مختلف موضوع سنجیده می‌شود، بعد بچه‌ها با رنگ روغن، آبرنگ، اکریلیک و کلاژ فکرهایشان را روی بوم می‌آورند. وقتی موضوع واحدی برای نمایشگاه است مثل موضوع امسال یعنی از رویا تا حقیقت، از جنبه‌های مختلف قابل سنجش است و در این نمایشگاه خواستم بچه‌ها با نقاشی‌ها به تحقق رویایشان برسند. نقاشی‌هایی که کودکان برای نمایشگاه می‌کشند بسته به سن و دغدغه‌های ذهنی‌شان متفاوت است. من تلاشم این بوده در این سال‌ها با نقاشی خلاقیت را در کودکان پرورش بدهم. ما کپی‌کاری نکردیم. همه آن چیزی که روی بوم نقاشی می‌رود، از ناخودآگاه بچه‌ها می‌آید، من تمام سعی و تلاشم این بوده که فکرهایشان را بکشند.

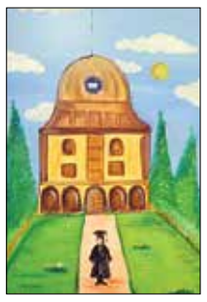

بچه‌ها در جریان کشیدن فکر و ایده‌هایشان نقاشی را هم یاد می‌گیرند و این مخصوصاً در سن بلوغ به بچه‌ها کمک می‌کند تا قلیان احساسات، تنش‌ها و تغییراتی که در خلق و خویشان صورت می‌گیرد را با کشیدن فکرهایشان روی کاغذ تعدیل کنند و از فشارهای روانی‌شان کاسته شده و آرام شوند.»

حضور کمرنگ پسران

شاگردان بهبهانی که در این نمایشگاه حضور دارند هم دختر هستند و هم پسر اما او می‌گوید متأسفانه در طول ۲۳ سالی که مدرس نقاشی کودکان و نوجوانان است، بدون اغراق ۵۰ شاگرد پسر از بین ۸۵۰ شاگردی که در این مدت داشته و بیش از ۸۵ درصد شاگردهای من دختر بودند چون خانواده‌ها به اینکه پسرها به دنبال هنر بروند، بها نمی‌دهند مخصوصاً نقاشی. همان تعداد کمی که به کلاس نقاشی آمدند خیلی نتایج خوبی در شغلی که انتخاب کردند به دست آوردند. به عنوان مثال شاگردانم که به دنبال معماری و طلاسازی رفتند، طرح‌هایی که می‌زنند، بی نظیر است و این طرح‌ها ساخته شده. متأسفانه نقاشی برای پسرها زیرساختی برای شغلی که انتخاب کردند، نشده است. نقاشی در خانواده‌هایی که پسر دارند در اولویت سوم است و برای آن هزینه نمی‌کنند اما برای دخترها این طور نیست و تعداد قبولی‌های دختر در دانشگاه از پسران بیشتر است. خانواده‌هایی که پسر دارند نقاشی را حرفه جدی تلقی نمی‌کنند و معتقدند درآمدزایی لازم را برای پسران ندارد که به نظر من تفکر اشتباهی است.»

افزایش عواید فروش نمایشگاه

این استاد نقاشی درباره عواید حاصل از فروش آثار نمایشگاه محک گفت: «پارسال از فروش نقاشی‌ها ۴۳۰ میلیون تومان به دست آمد. قاعده قیمت‌گذاری را پدر و مادرهای شاگردانم گذاشتند و من در قیمت‌گذاری هیچ نقشی نداشتم. پارسال قیمت پایه کارها ۳۰۰ هزار تومان بود و ما ۶۶ اثر داشتیم که باید حدود ۲۰ میلیون تومان جمع می‌کردیم اما قاعده این شد از چند سال پیش متوجه شدیم که گاه مخاطب یک اثر را خریداری می‌کند اما آن را با خود نمی‌برد و اجازه می‌دهد که اثر بار دیگر فروخته شود. به این ترتیب گاه یک اثر چندین بار خرید و فروش شده و به همین دلیل با وجود اینکه نقاشی‌ها دارای قیمت پایینی هستند، فروش نهایی نمایشگاه بالا می‌رود. این مسأله تصمیم من نبود بلکه انتخاب مردم بود که به این شکل با این نمایشگاه برخورد کنند. رقمی که جمع می‌شود، شبیه یک معجزه است همیشه روز اول نمایشگاه که تمام می‌شود، نگرانم چون آمار فروش ندارم و محک بعد از دو روز حساب‌ها را بررسی می‌کند. آدم‌هایی که هر سال می‌آیند تحت تأثیر شرایط و صحبت‌ها قرار می‌گیرند هم کسانی که غریبه هستند و هم افرادی که از بستگان شاگردانم هستند.»

او درباره اینکه آیا این کار خودجوش است و از جایی حمایت می‌شود، اظهار داشت: «در طول این ۱۸ سال خودم به تنهایی این نمایشگاه را برای محک برگزار کردم، از طراحی پوستر و بست زدن پشت تابلوها تا حمل و نقل تابلوها برای نمایشگاه محک، تمام پروسه‌ای که برای نمایشگاه طی می‌شود را شخصاً بدون حمایت از جایی انجام دادم.»

تأثیرات نمایشگاه روی کودکان

او به تأثیرات جدی این نمایشگاه روی کودکان اشاره کرد و گفت: «وقتی کودکان می‌بینند هنر و ایده‌شان به عمل رسیده و یک فعالیت اقتصادی است که برای فکر و هنرشان پول می‌دهند، بر اعتماد به نفس کودکان بی نهایت تأثیرگذار است و اینکه به آنها گفته می‌شود چرا به این دسته از کودکان کمک می‌شود و پوستر این نمایشگاه را به مدرسه می‌برند یک مبلغ برای هنر نقاشی و محک هستند که مثل حلقه‌های یک زنجیر بهم متصل هستند، همین تأثیرگذاری‌های جزئی که روی شاگردانم دیدم، برایم کافی است. شاگردانی دارم که ایران نیستند و مبلغ این نمایشگاه هستند و هر سال برای من می‌نویسند که لوحی که محک به آنها داده، چقدر در زندگی‌شان تأثیر گذاشته است چون محک همیشه در مراسمی در روز افتتاحیه برای تشکر از بچه‌ها به آنها لوح تقدیر می‌دهد که به آنها احساس شعف و غرور می‌دهد و حس می‌کنند نتیجه کارشان را به صورت رسمی دیدند. شاگردانم در این نمایشگاه از ۶ تا ۲۰ سال هستند.»

او درباره اینکه برای آینده این نمایشگاه تصمیم جدیدی دارد، گفت: «من خیلی فکر کردم که این نمایشگاه را در ابعاد وسیع‌تری برگزار کنم چون این کار پتانسیل عظیمی نیاز دارد ولی با توجه به اینکه خودم ۶-۵سال است که درگیر سرطان هستم، تنهایی از عهده کاری بزرگ‌تر برنمی آیم و نیاز به یک شورای سیاستگذاری است تا بتوان آن را در ابعاد وسیع‌تر برگزار کرد.» نمایشگاه نقاشی هنرجویان کودک و نوجوان ۲۸ و ۲۹ فروردین ساعت ۴ تا ۸ بعد از ظهر در مؤسسه محک واقع در میدان اقدسیه- ابتدای بزرگراه ارتش- سه‌راه ازگل- بلوار شهید مژدی- بلوار محک، ساختمان یادمان میتراسادات میرباقری برگزار می‌شود.

> **تارا بهبهانی:** بچه‌ها در جریان کشیدن فکر و ایده‌هایشان نقاشی را هم یاد می‌گیرند و این مخصوصاً در سن بلوغ به بچه‌ها کمک می‌کند تا قلیان احساسات، تنش‌ها و تغییراتی که در خلق و خویشان صورت می‌گیرد را با کشیدن فکرهایشان روی کاغذ تعدیل کنند و از فشارهای روانی‌شان کاسته شده و آرام شوند

برش

ژن خوب نقاشی

تارا بهبهانی فرزند استاد طاها بهبهانی نقاشی را از ۵ سالگی در آتلیه پدرش آغاز کرد و سفالگری و مجسمه‌سازی را نزد مادرش، مهین تابان آموخت. تارا با جست‌وجویی در میان گذشته رنگین و فضاهای سرشار از نور و روشنایی خاطرات کودکی سرزمین پدری را با رنگ‌های امروز بازنمایی می‌کند. کویرها، رودها، دشت‌ها، خورشید پر فروغ، زلالی آب چشمه‌ها و تمامی درخشش و جلای رنگ‌های این سرزمین جادویی بهانه‌های او برای خلق آثارش می‌باشند. تارا هنر و ریاضی را درکنار هم آموخت و توانست با مقالاتی همچون هندسه در هنر، تأثیر هندسه در هنر فلزکاری ایران و تجزیه و تحلیل نقش بال در هنر ایران، پیوند زیبایی بین هنر و ریاضی ایجاد کند. او کارشناسی ارشد را در رشته پژوهش هنر با درجه عالی در دانشگاه آزاد به پایان رساند و مدت ۱۸ سال است که صرفاً به تدریس نقاشی به کودکان و نوجوانان مشغول است. او با ۸۵۰ کودک و نوجوان در زمینه خلاقیت هنری کار کرده است که نتیجه آن برگزاری نمایشگاه‌های متعددی برای آنهاست. آثار تارا در نمایشگاه‌های خارج از ایران توانسته موقعیت مناسبی برای او ایجاد کند.

گزارش «ایران» از اختتامیه جشنواره ملی عودنوازی قشم

شوق نسل جوان و آینده روشن یک ساز ملی

گزارش

نداسیجانی
روزنامه‌نگار

دومین جشنواره ملی عودنوازی قشم امروز پنجشنبه ۲۸ فروردین‌ماه به پایان می‌رسد؛ رویدادی هنری که توانست در همان ابتدای کار جوانان بسیاری را از گوشه و کنار شهرها و روستاهای کشورمان با خود همراه کند و در یک همنوازی خودمانی، ساعاتی خوش، میهمان مردمان با صفای جنوب ایران باشند. به گفته داوران این دوره از جشنواره، با وجود آنکه وقفه‌ای نسبتاً طولانی برای بهتر دیده شدن و شنیده شدن این ساز به وجود آمد، اما جوانان مستعدی هستند که با هنرنمایی‌شان می‌توان به آینده این ساز امیدوار بود.

اما در بخش اجراهای صحنه‌ای به مانند هر شب ۹ اجرا در بخش تک‌نوازی و گروه‌نوازی روی صحنه رفت که با استقبال خوبی همراه بود. رونیکا توکلی‌فرد، شرکت‌کننده در بخش تک‌نوازی و از شاگردان حسین بهروزی‌نیا، جشنواره ملی عودنوازی را فرصتی مناسب برای دیدار با استادان و نوازندگان این ساز می‌داند که همچنین با شیوه نوازندگی شرکت‌کنندگان جشنواره هم آشناتر خواهند شد.

رحمان مؤمنی، دیگر شرکت‌کننده در بخش تک‌نوازی از شهر اصفهان که تحصیلکرده هنرستان موسیقی است، اظهار می‌کند: «برای حفظ این ساز باید در کنار تکنیک‌ها و مقام‌های قدیمی، از تکنیک‌های نوین هم بهره برد تا سبک تازه‌ای خلق شود و از این طریق در سطح جهانی بیشتر دیده شویم.» میثم آلبوعلی عباسی، شرکت‌کننده خوزستانی که از شاگردان عبدالزهرا فلاح‌پور است، می‌گوید: «پدرم نوازنده عود است و از کودکی علاقه‌مند به این ساز بوده‌ام و به همسن و سالان خود که نوازنده عود هستند پیشنهاد می‌کنم در این جشنواره شرکت کنند و بیشتر دیده شوند.»

مجاهد عبدالهی، شرکت‌کننده بندرعباسی و از شاگردان مرتضی کریمی است. او درباره نقش جشنواره ملی عودنوازی در معرفی این ساز می‌گوید: «عود، سازی است که کمتر به مردم معرفی شده است و برگزاری این جشنواره و حضور نوازندگان ساز عود از مناطق مختلف کشور، موجب شده این نوازندگان با شیوه نواختن یکدیگر بیشتر آشنا شوند و این امر در استقبال شرکت‌کننده دور دوم بسیار تأثیرگذار بود و امیدوارم این رویداد هنری همچنان تداوم داشته باشد.»

استقبال کم‌نظیر در یک کمپین موسیقایی

بهنام ابوالقاسم کیوریتور کمپین # با_سازت_بیا درباره این کمپین بیان کرد: «با سازت بیا از ایده‌های رضا موسوی، مدیر هنری این جشنواره است و در این‌باره صحبت‌هایی مطرح شد و برنامه به این صورت بود که با ایجاد یک استیج کوچک در بیرون از محوطه یکی از مراکز خرید جزیره، هر نوازنده با هر توانایی که دارد به این کمپین بپیوندد و ساز بنوازد و طی چند شبی که این برنامه برگزار شد، استقبال بسیار خوب بود و نوازنده‌های بسیاری به ما پیوستند.» این نوازنده می‌افزاید: «موسیقی حد و مرزی ندارد و موجب ارتباط مردم و فرهنگ‌ها با یکدیگر است.» سجاد خراسانی که ساکن قشم است و در کنار کمپین «با سازت بیا» فروشندگی می‌کند، درباره این کمپین می‌گوید: «این کمپین اتفاق خوبی بود و حس و حال خوبی را هم به مردم منتقل کرد. البته موسیقی خیابانی در جزیره رواج دارد.»

آزاده غفاری از مسافران جزیره است و ساکن مشهد که در این‌باره می‌گوید: «در شهر ما محدودیت‌هایی وجود دارد و موسیقی خیابانی کمتر به گوش می‌رسد و این اتفاق برایمان بسیار جالب و قابل توجه بود.» ابراهیم بالاپژوه، دیگر مسافر جزیره که مدیر شهرکتاب مشهد است، می‌گوید: «هدف این کمپین ایجاد پل ارتباطی بین اقوام ایرانی با سازهای مختلف ایرانی است. البته قبل از قشم در شهرهای دیگر چون یزد، تبریز، اهواز و حتی مشهد این کمپین ایجاد شده بود و یک دورهمی و همنوازی است و هر کسی که علاقه‌مند به موسیقی است و توانایی‌هایی دارد، روی استیج می‌آید و هنرنمایی می‌کند. بنابراین نیاز است این نوع اجراهای خیابانی برای مردم بیشتر ارائه شود چرا که در روحیه مردم بسیار تأثیرگذار است و به همین خاطر از عوامل برگزارکننده این جشنواره تشکر می‌کنم.»

تداوم یک رویداد ملی

مرتضی کریمی یکی از داوران دومین جشنواره ملی عودنوازی در گفت‌وگو با «ایران» درباره جایگاه این جشنواره در بین رویدادهای موسیقی بیان کرد: «اولین دوره جشنواره ملی عودنوازی به عنوان یکی از جشنواره‌های تخصصی ساز عود سال گذشته برگزار شد. جالب است بدانید پیش از این رویدادی تخصصی برای این ساز شکل نگرفته بود و این اتفاق دلگرمی بسیاری برای نوازندگان و سازندگان این ساز بود. اما نکته مهم تداوم این جشنواره در معرفی بهتر و بیشتر ساز عود است تا از این طریق این ساز به آن جایگاهی که شایسته آن است، دست یابد. این جشنواره باید مانند جشنواره موسیقی فجر یا جشنواره ملی موسیقی جوان، پرقدرت‌تر برگزار شود و تداوم آن موجب می‌شود این رویداد ملی به یک جشنواره معتبر مانند جشنواره‌هایی که در کشورهای عربی برگزار می‌شود، تبدیل و حتی در سطح بین‌المللی هم دیده شود و میزبان هنرمندانی از کشورهای مختلف باشد.»

نسل جوان و مستعد عودنواز

او معیارهای اصلی خود را برای داوری این جشنواره، نسل امروز موسیقی عنوان کرد و در ادامه گفت: «به عنوان یک نوازنده، معیار من در این جشنواره حضور جوان‌هایی است که در این جشنواره شرکت می‌کنند؛ جوان‌هایی که به تازگی به عرصه هنر و این رشته هنری ورود پیدا کرده‌اند و نوازندگی می‌کنند و برگزاری چنین جشنواره‌هایی برای آنها انگیزه بسیاری خواهد بود. در واقع این جشنواره بستری برای معرفی این جوانان و هنرشان است تا در این عرصه بتوانند خود را به خوبی معرفی کنند و هنرشان دیده شود و نگاه خوبی هم به آینده داشته باشند. بنابراین به هر میزان به این جشنواره پرداخته شود، جوانان دلگرم‌تر خواهند شد و نوازندگان این ساز هدفمندتر به مسیر خود ادامه می‌دهند و به دنبال آن، جایگاه ساز عود در ایران هم شناخته شده‌تر خواهد شد.» این نوازنده درباره سطح نوازندگی شرکت‌کنندگان این دوره از جشنواره اظهار کرد: «در این دوره هم مانند دور اول، شرکت‌کنندگان خوبی حضور پیدا کرده‌اند و این موضوع بسیار امیدوارکننده است. بیشتر شرکت‌کنندگان از نسل جوان هستند؛ نوازندگانی خوب و با استعداد و خلاق که در سطح قابل توجهی ساز می‌نوازند. نکته دیگر اینکه این نوازندگان جوان استانداردهای نوازندگی را به خوبی رعایت کرده‌اند. به یاد دارم سال‌ها قبل شیوه نوازندگی نوازندگان ساز عود مانند نواختن تار یا سه تار بود اما در حال حاضر شیوه نوازندگی آنها تغییر کرده است. البته فضای مجازی و دسترسی به دنیای ارتباطات هم در این زمینه بی‌تأثیر نبوده و موجب شده نسل امروز با استانداردهای روز دنیا حرکت کند.»

کریمی در ادامه صحبت‌هایش گفت: «حدود ۲۰ سال قبل در تورکنسرت‌های زنده یاد ناصر عبداللهی شرکت داشتم و ساز می‌نواختم. آن زمان کمتر کسی این ساز را می‌شناخت. البته کسانی هم که با این ساز آشنایی داشتند، مدعی بودند عود یک ساز عربی است اما در حال حاضر تعداد نوازنده‌های عود افزایش پیدا کرده است و شاید باورتان نشود شرکت‌کنندگانی در این جشنواره حضور پیدا کرده‌اند که شاید به ذهنمان نرسد این ساز در این مناطق هم نواخته می‌شود.»

داور دومین دوره جشنواره ملی عودنوازی در پایان بیان کرد: «به کسانی که علاقه‌مند به یادگیری ساز عود هستند، پیشنهاد می‌کنم حتماً این ساز را اصولی بیاموزند. در واقع آموزش این ساز را با الگوها و کتاب‌های معتبر آغاز کنند. به طورمثال ممکن است علاقه‌مندان به آموختن این ساز افرادی را الگوی خود قرار دهند که خود آن شخص شاید نوازنده تار یا سه تار باشد و بر این اساس، انگشت‌گذاری‌ها و استایل نوازندگی هم بر مبنای آن تار و سه تار باشد. بنابراین ضرورت دارد این ساز را اصولی‌تر و با الگوهای شناخته شده بیاموزند.

> پیش از این رویدادی تخصصی برای این ساز شکل نگرفته بود و این اتفاق دلگرمی بسیاری برای نوازندگان و سازندگان این ساز بود. اما نکته مهم تداوم این جشنواره در معرفی بهتر و بیشتر ساز عود است

جشنواره عودنوازی راه درازی در پیش دارد

فؤاد توحیدی، پژوهشگر موسیقی اقوام، از میهمانان شب دوم این جشنواره بود که درباره این دوره از جشنواره بیان کرد: «موسیقی، رفتار آدمی است و هر گاه شرایط زندگی متفاوت شود، رفتار آدمی هم تغییر می‌کند. بنابراین نباید توقع داشت موسیقی گذشته همچنان پابرجا باشد، چرا که رفتارها بر اساس شرایط تغییر کرده است. البته در موسیقی نواحی ایران اصالت حرف اول را می‌زند، بنابراین در کنار نوآوری‌ها، بایستی از اصالت‌ها هم صیانت کنیم. البته در جشنواره عودنوازی سازهای مختلفی در کنار عود قرار گرفتند و برای جوانان جذاب بود و از نگاه من این اتفاق می‌تواند موجب آشتی سازها با یکدیگر شود.» دبیر هفدهمین جشنواره موسیقی نواحی ایران درباره حضور داوران خارجی در این دوره از جشنواره گفت: «حضور این داوران در بیشتر دیده شدن این جشنواره قطعاً تأثیرگذار است. نوازنده‌ها و داوران این جشنواره با مقام‌های عربی و ترکی آشنا هستند اما حضور داوران خارجی بر اهمیت این جشنواره می‌افزاید.»

او در پایان اظهار کرد: «به نظر من جشنواره عودنوازی ابتدای راه است و باید چند سال دیگر به مسیر خود ادامه دهد تا سطح عودنوازی ما ارتقا یابد به این علت که به سبب وقفه تاریخی، نسبت به کشورهای عربی و همچنین ترکیه ضعیف‌تر هستیم و حدوداً ۲۰ سال است که در این ساز رشد داشته‌ایم و قبل‌تر از آن دستان‌مان خالی بود. اما امروزه با تدریس این ساز در مراکز علمی و دانشگاهی، عودنوازی ایران رشد کرده است و اگر بخواهیم در این ساز پیشرفت کنیم و در سطح بین‌المللی دیده شویم باید با مقام‌های اصیل خودمان این مسیر را طی کنیم.»